

توافق

فرصتی برای آغاز رفتارهای عقلایی



ابوالحسن داوودی
کارگردان

● حصول توافق بین ایران و کشورهای ۵+۱ اتفاقی بسیار خوشحال‌کننده است زیرا به یک ماراتن نفس‌گیر ۱۳ساله خاتمه داد. امیدوارم نتیجه به‌دست‌آمده، آغاز دورانی از عقلانیت تازه باشد؛ دوره‌ای که بتوانیم در آن همه‌مان به رفتاری خردمندانه‌تر و مسئولانه‌تر رجوع کنیم؛ رفتاری که منافع همه ملت بزرگ ایران را تأمین کند. آرزویمند بتوانیم با گشایشی که در نتیجه توافق به‌دست آمده، به هر مقدار که هست، منافع جمعی مردم و مملکتمان را تأمین کنیم و با تدبیری جمعی، فارغ از دعوای‌های حیدری و نعمتی و به‌دور از التهابی که کاسیان تحریم این روزها ایجاد می‌کنند تا از منافع یادآورده‌شان محروم نشوند، بتوانیم قبل از هرچیز مردم را از منافع این توافق بهره‌مند کنیم. این جز با یک تدبیر جمعی و خردمندانه که بتواند با شهامت و عقلانیتی جسورانه بر همه انواع رفتارهای غیرعقلایی مسئولان گذشته خط بطلان بکشد، امکان‌پذیر نیست و این توافق بهترین شروع برای آغاز رفتار عقلایی است که حاصل آن بیش از هرچیز می‌تواند به خودمان برگردد. در سال‌های اخیر ملت به‌خاطر برخی رفتارهای نابخردانه، گاه آقایی را تجربه کرده است. این آفات به همان میزانی که مردم را به سرنوشت جمعی‌شان بی‌اعتنا کرده، سطح رضایت عمومی را هم در کشور پایین آورده است و امروز اگر حداقل منافع عامه رعایت شود، مردم به آن قناعت می‌کنند. یکی از مهم‌ترین این حداقل‌ها برای اهل فرهنگ، قبل از هر چیز دیگر، حفظ منزلت و جایگاه هرکسی به اندازه خودش است. این دون‌پروری بعضی قدکوتاهان منتفع از بحران‌ها باید از جامعه رخت بربندد. به‌عنوان یک اهل هنر معتقدم این جایگاه به‌خاطر نابخردی دوره‌ای برای همه ما ایجاد شده است و فکر می‌کنم همین موضوع فضا را برای فعالیت فرهنگی من و دیگرانی چون من تنگ کرده است. به‌همین دلیل اولین انتظارم پس از حصول توافق این است که این نابخردی‌ها خاتمه پیدا کند و شرایطی ایجاد شود که هرکسی بتواند امکان استفاده از توانایی‌های خودش را داشته باشد.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۱ مرداد ۱۳۹۴ = ۶ شوال ۱۴۳۶ = ۲۳ جولای ۲۰۱۵ = سال دوازدهم = شماره ۲۳۵۳ = ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۳۶ • اذان صبح فردا ۴:۲۶ • طلوع آفتاب ۶:۰۶

روزنفرها



مهدی غریبی

کارتون خواب

مدیر عامل بانک ملی: رفع تحریم‌ها، عملیات بین‌المللی نظام بانکی را احیا می‌کند



ثروت آفرینان، ستاد دپه وتصویر موسیقے برگزارمے کنند...



تابستانه جشنواره ثروت آفرینان

خنده خنده رهایے

- امیر تاجیک...صدای آوازی تهران
- علی مهرگان...پدیده موسیقی آذربایجان
- فرمان فتحعلیان...نوستالژی عارفانه
- گروه بهرمانی اتفاق موسیقی نسل جوان
- حسن ریوندی...انفجار خنده
- جواد بیجوی و الهام صفوی زاده با اجرای متفاوت
- و با حضور چهره های که شما را غافلگیر خواهند کرد
- ۳ ساعت جشن، شادی و خنده

مراکز فروش بلیط

۲۲۷۲۸۰۰۷ ققنوس
۲۲۵۸۷۸۴۶ پایز
۸۸۰۸۴۶۸۰ نگین
۲۲۰۰۰۶۰۰۰ دارینوش
۸۸۱۰۲۷۳۲ سلفا

دفتر مرکزی و روابط عمومی

۲۶۴۰۳۷۴۰



کودکی

شاید وقتی دیگر



محمدهادی محمدی

چرخه زیستی برای کودکان و نوجوانان به‌گونه‌ای سازماندهی شده است که بخشی از فعالیت‌های روزانه به آموزش و بخشی به اوقات فراغت یا سرگرمی و بازی و ورزش و بخش دیگر به آرامیدن و بازسازی نیروی بدنی اختصاص دارد. کمتر انسانی است که بیرون از این چرخه بتواند زندگی پرباری داشته باشد. اگر کودکان همه زمان خود را به آموزش و آرامیدن بگذرانند، به‌طور قطع یک بخش از چرخه زیستی آنها پر نمی‌شود و دیر یا زود آسیب‌زده می‌شوند. اما درباره سازماندهی اوقات فراغت کودکان به‌ویژه در فصلی که آموزشگاه‌ها بسته است، چه اندیشیده‌ایم؟ زندگی در کلان‌شهرهایی مانند تهران که بخش بزرگی از جمعیت ایران را در خود جا داده است، نشان می‌دهد برای کارگزاران دولتی و شهرداری‌ها برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت کودکان و نوجوانانش در هم‌جوشی از اندیشه‌های سنتی، مطالعات سطحی و امر دست‌چندم است. در حالی که زندگی در ساختارهای پیچیده‌ای مانند کلان‌شهرها سازوکارهای خود را به‌ویژه در مورد سازماندهی اوقات فراغت کودکان و نوجوانان می‌طلبد. نمونه - نمونه‌ی از این تفکر آشفته را می‌توان در نگاه این- کارگزاران به پارک‌های تفریحی دید که در جهان مدرن هم از

تجربه

اعتراض محیط‌زیستی اعتراض سیاسی نیست

احمد نادعلیان . هنرمند

نزدیک ۲۰ سال است که در زمینه هنر محیطی فعال هستم و می‌توانم بگویم هنر محیطی در ایران به‌لحاظ کیفی و کمی، سابقه درخشانی دارد. از طرف دیگر مردم ایران نیز از نظر من با طبیعت و محیط‌زیست ناسازگاری ندارند. یکی از اصلی‌ترین آسیب‌هایی که مردم می‌توانند به محیط‌زیست بزنند، تولید زباله‌های ناسازگار با طبیعت از جمله ظروف یک‌بار مصرف و بسته‌بندی‌های پلاستیکی است اما باید توجه داشت استفاده گسترده از پلاستیک دو دهه است که در ایران رواج پیدا کرده و چون جایگزینی برای آن تعریف نشده، ما در حال حاضر یک دوره انتقال را پشت سر می‌گذاریم. پس از این دوره گذار و انتقال، استفاده از پلاستیک با رواج فرهنگ نه به پلاستیک، کاهش پیدا خواهد کرد.

من به‌عنوان یک هنرمند و یک فعال محیط‌زیست معتقدم بزرگ‌ترین ضربه به محیط‌زیست را سیاست‌گذاری‌های نادرست می‌زنند. متأسفانه شعارهای محیط‌زیستی سیاست‌مداران بعضاً تحت‌تأثیر مُد جهانی یا ضرورت‌های غیرقابل‌اجتناب مثل هجوم ریزگرد یا بحران خشک سالی است. باید از سیاست‌گذاران کلان پرسید از نظر راهبردی و فرهنگی برای محیط‌زیست چه کرده‌اند؟ در این ۲۰ سال فعالیت بارها و بارها در محل زندگی خودم، جفای به محیط‌زیست را دیده‌ام و بارها خواسته‌ام از طریق هنر آن را آشکار کنم اما با موانع جدی روبه‌رو شده‌ام. مشکل اصلی این است که اعتراض‌ها به تخریب محیط‌زیست، همسان اعتراض‌های سیاسی و اجتماعی قلمداد و جلوی آن گرفته می‌شود. خطر وقتی جدی‌تر می‌شود که ثروت با قدرت همراه شود و به بهانه اشتغال‌زایی و ایجاد رفاه برای مردم بومی، محیط‌زیست تاراج شود. نمونه این امر را می‌توان در اتفاقی که درباره چشمه‌های پلور افتاد دید که خود من هم در اعتراضاتی که به این موضوع شد، حضور داشتم. در این منطقه کارخانه‌های آب معدنی زیادی ایجاد شده و مردم با کمبود آب مواجه شده‌اند. یکی از کسانی که کارخانه آب معدنی داشت، آن را به شرکت نستله فروخته و دست روی چشمه‌های دیگر گذاشته بود و این منجر به اعتراض سال گذشته مردم شد. پیش از دولت‌های نهم و دهم البته عملکرد نهادهای مسئول بهتر بود و مردم نیز فعال‌تر بودند. برای مثال در آن دوران در اعتراض به تصرف کوه‌های منطقه تالاب گاوخونی، مردم حلقه انسانی تشکیل داده بودند و سازمان محیط‌زیست به‌دنبال این بود که برای فعالانی که در جریان این اتفاق دستگیر شده بودند، وکیل بگیرد اما برعکس در دولت‌های نهم و دهم درمورد صادرات خاک سرخ جزیره هرمز که هیچ سودی هم برای منطقه نداشت، هیچ واکنش، اعتراض و همچنین هیچ اقدامی از سوی سازمان‌های متولی نمی‌بینید. در دوره ریاست معصومه ابتکار بر سازمان محیط‌زیست از نهادهای مردمی حمایت بیشتری می‌شود اما این کافی نیست زیرا قدرت تخریب محیط‌زیست به‌مراتب بیشتر شده است و کسانی که دست به این تخریب‌ها می‌زنند همه مجوزهای لازم را برای این اقدامات از سازمان‌های مسئول می‌گیرند. به همین دلیل به‌نظر می‌رسد کسی که باید از محیط‌زیست صیانت کند، سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران هستند نه مردم و فعالان محیط‌زیست.

کودکی

نمونه‌ای از آن است. باید گفت تا زمانی که نگاه ما به موضوع اوقات فراغت کودکان و نوجوانان تضمین سودآوری پیشاپیش سرمایه‌گذاران بخش خصوصی یا نیمه‌دولتی است، نمی‌توانیم به‌درستی از این سازه‌های مدرن در جهت بهبود زندگی بشینه کودکان و نوجوانان ایرانی استفاده کنیم. ما با فرهنگ غنی خود که سرشار از اسطوره‌ها و افسانه‌های کنش‌محور است، مانند داستان آرش یا هفت‌خان رستم و...، در طراحی و ساخت چنین پارک‌های باید دو موضوع را در نظر داشته باشیم؛ نخست اینکه چنین پارک‌های مجللی با ورودی‌های گران، جایی برای کودکان قشرهای فرودست نیست و آنها همیشه از حضور در چنین فضاهایی محروم خواهند بود و دوم اینکه چنین پارک‌هایی اگر به سوی جلوده‌ها و سازه‌های فناوریانه پیچیده بروند، دیرپاب و پرهزینه خواهند شد. ما باید پارک‌های موضوعی خود را که تلفیقی از معماری، هنر، مفاهیم و ارزش‌های والای انسانی ماست، در حجم‌های کوچک‌تر با فناوری‌های ساده‌تر و با برتری نگاه اجتماعی بر اقتصادی، بسازیم تا بتوانیم فشارها و استرس‌های فزاینده زندگی در کلان‌شهرهای ناهمساز خود را به‌گونه‌ای از دوش کودکان و نوجوانان خود برداریم. در چنین حالتی، هم پارک‌های ما روی کاغذ و زمین نمی‌ماند و هم به کودکان و نوجوانان خود خوراک‌های مناسب فرهنگی و سرگرم‌کننده داده‌ایم. همه اینها که گفته شد، ممکن است آرزویی دور باشد، یا شاید روزی رخ دهد، نه امروز، شاید وقتی دیگر!

کافه نظر

فرهنگی از این دست می‌کنند؟» این سؤالی است که از ابعاد مختلف می‌توان به آن پرداخت و «شرق» به‌دنبال یافتن جواب‌های مختلف از زاویه‌های گوناگون برای این پرسش کلیدی است؟

مستولان چقدر اهل فرهنگ و مطالعه هستند؟

حضور وزیر امور خارجه در مجلس برای دفاع از توافق هسته‌ای ایران با یک سؤال مهم همراه شد؛ «مستولان ما چقدر از وقت خود را صرف مطالعه، تماشای فیلم و ارتباط با مقوله‌های

احمد مسجدجامعی ◀ عضو شور ای شهر



مستولان امروز شاید آینه مردمان دیروز باشند، هرچقدر سرانه کتاب‌خوانی و ارتباط با مراکز فرهنگی در جامعه بالا باشد، به همان میزان هم شاهد آن هستیم که نسل‌های بعدی مستولان کشور، نسل‌های پرمطالعه و عالم‌تری هستند. از این دریچه، به اعتقاد من، نگاه‌ی به تاریخچه چهره‌های مسئول در ایران حکایت از آن دارد که بخشی از مستولان مهم کشور ما در دوران‌های خاص تاریخی و خصوصاً پس از انقلاب، از اهالی و یاران کتاب و کتاب‌خوانی بوده‌اند. وجود چندین و چند کتابخانه اهداشده از سوی این چهره‌ها به شهرهایی چون تهران و ری، حکایت از دلبستگی مستولان نظام به فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی دارد اما واقعیت این است که کتاب‌خوانی مسئله‌ای کوتاه‌مدت نیست و باید همواره در مسیر آن قدم برداشت، همان‌طور که از یک دوست توقع داریم دوستی‌اش را با ما، تا لحظه مرگ ادامه دهد.

محمد سریر ◀ عضو هیأت‌مدیره خانه موسیقی



اصولاً سنت مطالعه و حضور هنر در زندگی جاری مردم به‌عنوان یک امر جنبی- مانند ورزش که در کشور‌های پیشرفته ملموس است- در کشور ما سابقه چندانی ندارد و اگر در حوزه‌های مختلف هنر و مطالعه، تصادفاً برخی مشتاقانه علاقه‌ای نشان می‌دهند، صرفاً جنبه تصادفی دارد و خارج از آن ندرتاً افرادی را می‌بینیم که به هنر و کتاب‌خوانی توجه داشته باشند. از سوی دیگر، زندگی امروز به‌قدری دچار پیچیدگی شده که همه خود را از ارتباط با کتاب و هنر میرا می‌دانند و حالا که ورود تکنولوژی‌های نوین هم مزید بر علت شده، دیگر اشتیاق به خواندن و گوش‌دادن و دیدن آثار هنری کمتر از گذشته نیز شده است. در میان مستولان هم کمتر مسئولی را می‌بینیم که زندگی‌اش محدود به زمانی باشد که در محیط کاری خود سپری می‌کند و شاید عدم کارایی سیستم اداری در کشور از یک سو و پراکندگی سلسله‌مراتب اداری از سوی دیگر باعث شده که فرصت فراغت آنها به‌جای مصروف‌شدن در حوزه هنر، صرف حل مشکلات کاری و اداری شود. البته اینها تنها در حوزه مطالعه است چراکه در حوزه هنر و خصوصاً در بعضی از هنرها، اعتراف به ارتباط مستولان با یک هنر خاص، در قدیم جلوه چندان خوبی نداشت و اگر مسئولی می‌گفت که مثلاً به موسیقی علاقه‌مند است، با اماواگرهای بسیاری مواجه می‌شد. در دهه اخیر البته وضع تا حدودی تغییر کرده و مستولان تحت‌تأثیر نسل جوان، هنر را تا حدودی به منازل خود برده‌اند که این مسئله فارغ از توجه به کیفیت آن، به‌لحاظ کمی قابل ستایش است اما هنوز شرایط ما در مسئله مطالعه و توجه به هنر قابل مقایسه با کشور‌های پیشرفته شرق و غرب نیست که هیچ شهروندی در آنها، حتی از خیر یک دقیقه زمان بی‌مطالعه نمی‌گذرد.

نعمت احمدی ◀ حقوق‌دان



شاید هیچ آمار‌ی درباره میزان مطالعه در میان مستولان وجود نداشته باشد، اما میزان مطالعه در میان مردم جامعه شاید آینه تمام‌نمای واقعیت کتاب‌خوانی در ایران است. عدم تمایل به مطالعه آفت بزرگی برای جامعه ما محسوب می‌شود که برآمدگان از این جامعه نیز از آن مصون نیستند. با این پیش‌فرض می‌توان سرانه مطالعه دو دقیقه در ماه که سرانه مطالعه در میان مردم است را برای جامعه‌ای که اصلی‌ترین اصل مکتب انسان‌سازش، قرآن کریم است، یک هشدار جدی به حساب آورد و اگر مستولان به‌دنبال رفع موانع و مشکلات جامعه هستند و عقیده دارند که این مشکلات را می‌توان از درجه فرهنگی حل کرد، باید در این قضیه پیشگام باشند.

پیشنهاد فردا

انتشار کتابی تازه از نقیبی، با او گفت‌وگو شده است. موضوع نقدپذیری جامعه فرهنگی ایران و مقایسه آن با گذشته محور این گفت‌وگو است. بخشی از این مجله به بررسی وضعیت ترجمه و آثار باشار کمال و کوثر کراس در ایران پرداخته و در بخش دیگر، این‌دو چهره ادبی جهانی را از سمت‌وسوی آرا و اندیشه‌هایشان به بحث و بررسی گذاشته‌اند.

در بخش دیگری از نشریه، انتشار چند داستان و شعر تازه از شاعران و نویسندگان بنام بهانه خوبی است برای ورق‌زدن و رسیدن به نام‌هایی چون درویشیان، شاپور جوهرکش، رضا معتمدی، اصغر نوری و... و در پایان سپالو به روایت سپالو، یادآور فقدان این شاعر تهران در صفحات آخر اولین شماره برگ هنر است. ماهنامه با گفت‌وگویی از ابوالحسن مختاباد به پایان می‌رسد.



اولین شماره ماهنامه ادبیات داستانی «برگ هنر» ویژه کوثر کراس و یاشار کمال به قیمت هشت‌هزار و ۵۰۰ تومان به دکه‌های مطبوعاتی رسید. این ماهنامه با آثاری از سیروس علی‌نژاد، نادر مشایخی، حورا یپوری، محمد ضیمران، علی عظیمی‌نژادان، عرفان لاجوردی، نادره نفیسی، شاپور جوهرکش، اصغر نوری، جواد اسحاقیان، علی‌اصغر حداد، کاظم‌السادات اشکوری، محمد شریفی و به صاحب‌امتیازی اقبال معتضدی منتشر شده است. مجله با تحلیلی بر آرا و نوشته‌های پرویز نقیبی، روزنامه‌نگار آغاز می‌شود. در این مصاحبه که سیروس علی‌نژاد آن را انجام داده است، به بهانه